

نگاهی به شخصیت حقیقی زن از منظر آیات و روایات (با تأکید بر بحث تعارض دلیل‌ها)

مریم توحیدی*

چکیده

مباحث مربوط به زن، پیوسته یکی از موضوعات جذاب و پرهیاهو بوده است، شخصیت زن را می‌توان از دو منظر حقوقی و حقیقی واکاوی کرد. از زاویه حقوقی، ابعادی مانند مبانی حقوق زن، تفاوت‌ها و اشتراکات حقوقی دو جنس، راز تفاوت‌ها و... کنکاش‌پذیر است که بررسی آن مجال دیگری می‌طلبد. هدف از نوشتار حاضر بررسی «شخصیت حقیقی» زن است تا با تبیین و جمع عرفی میان روایات به ظاهر معارض مربوط به زن و تشخیص احادیث صحیح از سقیم به رفع شبهات اقدام کند. این پژوهش با روش کیفی و تحلیلی به این نتیجه دست یافت که روایات واحدی که در مباحث غیرفقهی زنان وارد شده از نظر بسیاری از علما، فاقد حجیت است، حتی در صورت حجیت خبر واحد نادیده گرفتن ضعف سند، بسیاری از اخبار مربوط به سندیت و نکوهش زنان، باز هم تعارض محتوای این اخبار با آیات قرآن کریم، سیره پیامبر(ص)، اصول عقلی، سایر روایات و... نشانه مردود بودن آنهاست.

واژگان کلیدی

شخصیت حقیقی زن؛ شخصیت حقوقی زن؛ تعارض دلیل‌ها؛ اختلاف حدیث؛ معیار سنجش روایت

مقدمه

در مباحث مربوط به زن، به طور معمول، به بُعد حقوقی و قانونی این جنس، اهمیت ویژه‌ای داده شده است. در حالی که پایه‌های حقوق زن، بر شخصیت حقیقی و انسانی او نهاده شده و ریشه در فطرت او دارد که بدون توجه به ابعاد انسانی و معنوی زن، سخن گفتن از حقوق او کاری کم‌فایده و بی‌محتواست. پژوهش درباره شخصیت حقوقی زن را باید با کند و کاو در شخصیت حقیقی او آغاز کرد تا به ریشه‌های عمیق «حقوق زنان» دست یافت. شخصیت حقیقی به مفهوم جایگاه و مشخصات انسانی یک فرد است. برای تبیین نگاه اسلام به زن، دو منبع عمده وجود دارد: عقل و نقل. آیات و روایات مبانی دیدگاه اسلام درباره زن هستند، نگاهی اجمالی به روایات مربوط به زن، نشان می‌دهد که میان آن‌ها، اخبار متعارض و گاه متناقض کم نیستند که منشأ شبهات فراوان و دل‌زدگی زیادی شده‌اند. بنابراین، تکیه بر روایات و موشکافی در آن‌ها می‌تواند به ویژه در موضوع زن، بسیار راهگشا باشد. با توجه به مشکلات و نابسامانی‌های جوامع امروزی، در حوزه زنان می‌توان این سؤال را مطرح کرد: روایات، چه نقشی در حل گرفتاری‌های مربوطه دارند؟ موضوع اختلاف حدیث و بحث تعارض دلیل‌ها، چه گرهی از مشکلات را می‌گشاید؟ در پاسخ می‌توان گفت: با توجه به نقش ویژه حدیث، در تبیین معارف اسلامی و ارائه رهنمودهای جزئی و کلان در مسائل مختلف، نگاه نقادانه به حدیث و پذیرش احتمال خطا در سند و متن آن، ما را از اعتماد کورکورانه به آن‌چه نام حدیث گرفته، بازداشته و مسیر فهم صحیح محتوای احادیث را به‌عنوان مفسر و مبین قرآن هموار می‌کند؛ اهمیت موضوع تعارض احادیث را می‌توان از دو منظر بررسی کرد:

۱. موقعیت حدیث: نقش احادیث برای دست‌یابی به راه‌حلی‌هایی که قرآن کریم برای مشکلات خرد و کلان جوامع امروزی ارائه می‌دهد، استفاده از حدیث انکارناپذیر است. ۲. اهمیت تعارض احادیث: یکی از معیارهای فهم در نقد روایت‌ها، توجه به اختلاف احادیث است، اهمیت و حساسیت فراوان تعارض احادیث را از میزان تأثیرگذاری و کارایی آن در تحقیقات علمی و دریافتن نظر اسلام درباره موضوعات فردی و اجتماعی می‌توان فهمید. درباره شخصیت حقیقی زنان، مباحث متعدد غیرفقهی وجود دارد، مانند: عقل زن، مشورت با زن، تعلیم زنان، محبت به زنان، ستایش و نکوهش زنان و... که مدرک اصلی همه آن‌ها خبر



واحد است؛ در نتیجه با فقدان اعتبارِ خبرِ واحدِ بدونِ قرائن، بسیاری از این اخبار، از درجهٔ حجیت ساقط خواهند شد (لاریجانی، ۱۳۸۱: ۱۵۵-۱۷۴؛ عزیزان، ۱۳۸۷: ۵۹-۷۲؛ انتخابیان، ۱۳۸۴: ۲۴-۵۱)، اما نوشتار حاضر با نادیده گرفتن اشکالات پذیرش حجیت خبر واحد در معارف و با فرض قبول اعتبار اخبار آحاد در عقاید و مباحث غیر فقهی، روایات مرتبط با شخصیت حقیقی زنان را بررسی و نقد کرده؛ یعنی با کمک قوانین «تعارض ادله» در اصول فقه و مباحث مربوط به «اختلاف حدیث»، به نقد، بررسی و جمع عرفی آیات و روایات مباحث غیر فقهی زنان اقدام کرده است.

پیشینه

توجه به فقه الحدیث، بررسی محتوا و نقد متون روایی و حلّ تعارض میان اخبار، سابقه‌ای به قدمت خود احادیث دارد؛ زیرا از آغاز اسلام، احادیثی با معانی ژرف صادر می‌شد که نیازمند شرح بود یا تساهل در نقل آن‌ها، غبار ابهام را بر سیمای آن‌ها نشانده بود، زدودن افزوده‌های عمدی و سهوی راویان، جمع میان اخبار متعارض و... از نخستین تلاش‌های اندیشوران و محققان بوده است. در عصر حضور معصومان(ع)، راویان برای اخذ حدیث، نقد و ردّ، جمع و حلّ اخبار و... تا حدّ امکان به ایشان مراجعه می‌کردند، از سوی پیامبر(ص) در زمینهٔ توجه به محتوای حدیث و دقت در فعالیت‌های منافقانه در تخریب و جعل اخبار، نخستین هشدارها داده شد: قال رسول الله(ص): «من کذب علیّ متعمداً فلیتوبوا مقعده من النار» (صدوق، ۱۳۶۷: ۳۶۴؛ بخاری، ۴۲۵هـ: ۳۵) از میان امامان شیعه، امام علی(ع) آغازگر سنت نیکوی تفسیر آیات و نقد آن بود، در قرون چهارم و پنجم هجری، عالمان شیعی به‌عنوان شاگردان با واسطهٔ امامان، در دو حوزهٔ قم و بغداد، به تلاش‌های خستگی‌ناپذیر در زمینهٔ جمع، تدوین، نقد و بررسی احادیث اقدام کردند. بی‌شک باید مؤلفان کتب اربعه را از نخستین و بارزترین نقادان متن و سند حدیث دانست. بعد از نویسندگان کتب اربعه، دیگر اندیشمندان شیعی مانند: فیض کاشانی در «الوافی»، محمد باقر مجلسی در «بحار الانوار» و... گاهی به نقد متون روایی اقدام کرده‌اند. در کتاب «روضه المتقین» اثر محمدتقی مجلسی و «مرآت العقول»

۱. قرن چهارم، دوران غیبت صغرا و شروع غیبت کبراست.

تألیف محمدباقر مجلسی، نمونه‌های روشن‌تری از بحث اختلاف حدیث را می‌توان مشاهده کرد.

میان اهل سنت، مهم‌ترین کتاب‌های فقه الحدیث، «شروح صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» است، مانند «فتح الباری» از ابن حجر عسقلانی، «ارشاد الساری» تألیف قسطلانی، «الکوثر المعانی» از علامه شنیطی و....

اندیشمندان مسلمان معاصر، در زمینه نقد متنی و سندی احادیث و قواعد مرتبط با آن دست به تألیف آثاری زده‌اند، مانند: «الحدیث النبوی فی علم الدراية والرواية» اثر استاد جعفر سبحانی، «جهود المحدثین فی نقد متن الحدیث» تألیف استاد محمد طاهر الجوابی، «منهج النقد فی علوم الحدیث» نگاشته دکتر نورالدین عتر و.... (مسعودی، ۱۳۸۸؛ معماری، ۱۳۹۰؛ ربانی، ۱۳۸۳: ۴۰، ۴۱، ۱۴۳)

پیشینه مباحث مربوط به شخصیت حقوقی و حقیقی زن؛ در کتب حدیث اهل سنت و شیعه، به طور معمول چند باب به زنان اختصاص یافته است، مثل: حب النساء، کثرة الخیر فی النساء، اختیار الزوجة، فضل البنات، الوصية بالنساء، کراهه استشارة النساء، یکره کراهة البنات و.... (صدوق، ۱۳۶۷: ۳۸۴؛ کلینی، ۱۳۸۸: ۴؛ بخاری، ۱۴۲۵هـ؛ ترمذی، ۱۴۲۳هـ؛ عاملی، ۱۴۰۹ق: ۳۶۷) سید مرتضی (۵هـ) درباره احکام فقهی زنان، رساله‌ای به نام «احکام النساء» دارد. بزرگان علم و حدیث، در کتاب‌هایی که برای شرح جوامع روایی نوشته‌اند، گاه به نقد و بررسی احادیث غیر فقهی مربوط به زنان و جمع میان روایات متعارض اقدام کرده‌اند. محمدباقر مجلسی (۱۱هـ) در بحار الانوار و مرآت العقول (مجلسی، ۱۴۰۴هـ: ۷۶؛ همان: ۲۱۲) از این گروه است. ابن عربی (۷هـ) از جمله عرفایی است که حدیث نبوی «زن، عطر و نماز» را اساس بسیاری از مسائل مهم عرفانی قرار داده است (ابن عربی، ۱۳۷۵: ۳۲۵) علی اکبر غفاری که به ترجمه «من لا یحضره الفقیه» مرحوم صدوق اقدام کرده نیز گاه به توضیح و رفع تعارض میان روایات مربوط به خصوصیات زنان همت گماشته است (صدوق، ۱۴۰۳: ۲۶۸) آیت الله سبحانی نیز در کتاب «الحدیث النبوی فی علم الدراية والرواية»، در فصول متعدد به بررسی و جمع میان روایات مربوط به شخصیت انسانی زن اقدام کرده است. در دهه‌های اخیر، با بلند شدن موج فمینیسم در جهان غرب و اثرگذاری آن در جوامع اسلامی، آثار نگاشته شده درباره



زن، اهمیت ویژه‌ای یافت، در آثاری که اندیشمندان مسلمان در تبیین نظرات اسلام درباره زن تألیف کردند از آیات و روایات بهره گرفته‌اند، گاه نیز برخی موضوعات چالش‌برانگیز مثل دیه، شهادت، عقل، قضاوت و... را جداگانه بررسی کرده و گاه به موضوع تعارض روایات مربوط به زن، اشاره کرده‌اند. به‌عنوان نمونه در کتاب «شخصیت و حقوق زن در اسلام» مهریزی برخی روایات مربوط به زن را جمع‌آوری و تعارض آن‌ها را با یکدیگر و با آیات قرآن بررسی کرده و علی‌پور (۱۳۷۹)، در پژوهشی با نام «بررسی سندی و دلالتی روایات شیعه در مورد زن» روایات را از نظر سند و متن یا جمع عرفی و دلالتی بررسی کرده است.

شخصیت حقیقی زنان در آیات

بدون در نظر گرفتن آیات فقهی مربوط به زنان، آیه‌هایی که در پیوند با بعد انسانی و معنوی زن نازل شده‌اند به دو دسته تقسیم‌پذیر هستند:

۱. نصوص: خدای سبحان در برخی آیات به صورت صریح، بر یکسان بودن شخصیت انسانی و معنوی زن و مرد تأکید کرده است، نصوص، به علت اهمیت ویژه‌ای که دارند به‌عنوان ملاک و معیاری دقیق و تردیدناپذیر می‌توانند در تبیین، تخصیص، تقیید و ارزیابی روایات، مورد استفاده وسیع قرار بگیرند، نصوص غیرفقهی و مرتبط با بعد انسانی زنان در چهار دسته تقسیم‌پذیر هستند:

دسته اول: آیه‌هایی که با تعبیر صریح «ذکر او انثی» تساوی بعد انسانی، معنوی و ایمانی زن و مرد را بیان می‌کنند: «هرکس - مرد یا زن - از عمل‌های شایسته (عملی) را به جا آورد در حالی که مؤمن باشد، چنین کسانی داخل بهشت می‌شوند و... مورد ستم واقع نمی‌شوند»^۱ از نظر اسلام هیچ فرقی بین زن و مرد نیست، برخلاف پندار ملت‌هایی مانند هند، مصر و... که می‌پنداشتند اعمال صالح زنان پاداش ندارد و برخلاف نظر یهودیان و مسیحیان که گفته‌اند زنان نزد خدا، خوار و بی‌مقدار هستند، چون خلقت آن‌ها ناقص و اجرشان نابود است و همه کرامت‌ها و حرمت‌ها متعلق به مردان است، اسلام زن و مرد را یکسان معرفی کرده و در آخر آیه فرموده میان زن و مرد از جهت زیادی پاداش و نقصان آن هیچ فرقی نیست (طباطبایی،

۱. سوره نساء، آیه ۱۲۴

۱۳۷۴: ۱۴۳؛ ابن عاشور، بی تا: ۲۶۲). «هرکس از زن و مرد، عمل نیک انجام دهد، در حالی که ایمان داشته باشد، پس بی تردید او را به زندگی پاکیزه‌ای زنده خواهیم داشت»^۱. خداوند در این آیه به زنان و مردانی که عمل صالح انجام دهند، وعده زیبایی داده است که در آن، فرقی میان زن و مرد نیست، این یکسان بودن، برخلاف نظر یهود، نصارا و... است که زنان را از همه مزایای دینی یا بیشتر آن، محروم و رتبه زنان را از مردان پایین تر می دانستند (ابن عاشور، بی تا: ۴۹۱) «بی تردید من عمل هیچ عمل کننده‌ای از شما را - از مرد و زن که همه از یکدیگر بگریزد - ضایع نخواهم کرد»^۲. قرآن کریم با نفی جنسیت می فرماید: خداوند عمل هیچ عاملی را ضایع نمی کند، این سلب تفاوت، از نوع سالبه به انتفای موضوع است (یعنی سخن از یکی بودن و عدم تفاوت زن و مرد است، نه از دو تا بودن این دو جنس و سپس تساوی آنها)؛ زیرا حقیقت انسان، روح اوست که مجرد از جنسیت است، چنان که در کسب کمال‌های حقیقی و اعمال صالح، نه مذکر بودن شرط و نه مؤنث بودن مانع است. معیار برتری، کرامت انسانی و تعالی روحی است. عبارت «همه از یکدیگر بگریزد»، تعلیل و به این معناست که مرد و زن، بدون هم یافت نمی شوند؛ زیرا از جنس یکدیگرند و بین آن دو فرقی نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۷۱۵، ۷۲۶). «هرکس عمل شایسته انجام دهد، مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن باشد، چنین کسانی به بهشت درآمده و در آنجا بی حساب روزی داده شوند»^۳.

دسته دوم: آیه‌هایی که به طور صریح بر مسأله وحدت نوعی زن و مرد و یکسان بودن گوهر انسانی آنها تأکید می‌ورزند: «ای مردم از پروردگارتان پروا کنید، آن خدایی که شما را از یک نفس بیافرید و جفت او را از جنس او خلق کرد»^۴. خطاب آیه عام است و اختصاص به مؤمنان ندارد، مراد از «یک نفس» حضرت آدم (ع) و مقصود از «جفت او» همسر اوست که از نوع آدم (ع) و در انسانیت مثل اوست. این آیه می‌خواهد مردم را به تقوا دعوت کند، مردمی که در اصل انسانیت و حقیقت بشریت با هم متحدند و در این حقیقت، میان زن و مرد، بزرگ و

۱. سوره نحل / آیه ۹۷

۲. سوره آل عمران / آیه ۱۹۵

۳. سوره غافر / آیه ۴۰

۴. سوره نساء / آیه ۱



کوچک و... تفاوتی نیست، تا مرد به زن و بزرگ به کوچک ظلم نکند؛ بنابراین، خطاب آیه عام و متوجه «مردم» است و می‌فرماید افراد انسان از نظر حقیقت و جنس یک واقعیت هستند و در مسأله نوعیت و جوهره ذات، هیچ فرقی با هم ندارند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۱۹). «اوست که هر یک از شما را از یک نفس (حضرت آدم(ع)) آفرید و همسرش را از نوع او قرار داد»^۱. «همه شما را از یک فرد (حضرت آدم(ع)) آفرید، سپس همسر او را از نوع او قرار داد»^۲.

آیه ۷۲ سوره نحل، ۲۱ سوره روم و ۱۱ سوره شوری، نیز نص در این است که زن و مرد از یک نوع هستند و از نظر انسانی بین آنها تفاوتی نیست، هرچند در برخی حقوق، تکالیف و سمت‌های اجرایی، تفاوت‌هایی میان زن و مرد وجود دارد.

دسته سوم: از نصوص قرآنی به آیاتی اختصاص دارد که در کمال صراحت، مؤمنین و مؤمنات، مسلمین و مسلمات و... را از نظر انسانی، به صورت عام و یکسان در کنار هم قرار می‌دهد: «... مردان مؤمن و زنان با ایمان، سرپرست یکدیگرند»^۳. با این کلام، خداوند، حال تمام افراد مؤمن را بیان می‌کند تا منافقان بدانند مردان و زنان مؤمن با همه کثرت و پراکندگی، در حکم یک تن واحد هستند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۵۵). «به یقین مردان مسلمان و زنان مسلمان و مردان مؤمن و زنان مؤمن و مردان مطیع و زنان مطیع و مردان راستگو و زنان راستگو و مردان شکیبیا و زنان شکیبیا و مردان فروتن و زنان فروتن و مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده و مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار و مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار خدا را یاد می‌کنند، خداوند برای همه آنها مغفرت و پاداش بزرگی را فراهم ساخته است»^۴. شریعت مقدس اسلام در کرامت و حرمت اشخاص از نظر دین‌داری، میان زن و مرد فرقی نگذاشته و در آیه: ای مردم، ما شما را از یک زن و مرد

۱. سوره اعراف / آیه ۱۸۹

۲. سوره زمر / آیه ۶

۳. سوره توبه / آیه ۷۱

۴. سوره احزاب / آیه ۳۵

آفریدیم^۱. به طور اجمال به این حقیقت اشاره می‌کند و در آیه: من، عمل عمل‌کننده، از زن و مرد را ضایع نمی‌کنم^۲ به آن تصریح و سپس در آیه مورد بحث^۳ با صراحت بیشتری آن را بیان کرده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۶۹). به اعتقاد کارل ارنست به سختی می‌توان نمونه دیگری از متن اصیل دینی پیدا کرد که بدین نحو خاص^۴ موضوع جنسیت مطرح کرده باشد (کارل، ۱۳۹۰: ۱۶۳).

آیات ۷۲ سوره توبه، ۵۸ و ۷۳ سوره احزاب، ۱۹ سوره محمد (ص)، ۵ سوره فتح، ۱۲ سوره حدید و ۱۰ سوره بروج نیز زن و مرد را، در بعد انسانی و ایمانی، در ردیف هم قرار داده است.

دسته چهارم: آیه‌ای که برخی زنان را نمونه و الگوی همه انسان‌ها - اعم از زن و مرد - معرفی می‌کند: «و خداوند برای کسانی که کافر شده‌اند به همسر نوح و همسر لوط مثل زده... و برای مؤمنان به همسر فرعون و... هم‌چنین به مریم (دختر عمران) مثل زده است»^۵. این آیه به طور صریح نشان می‌دهد که زن می‌تواند در مسأله کفر و ایمان، الگوی مردان و زنان دیگر باشد و این مطلب دست‌کم تساوی این دو جنس را در کمالات و رذایل انسانی و روحانی نشان می‌دهد.

۲. ظواهر آیات

با پایان رفتن نصوص قرآنی، نوبت به بررسی اجمالی ظواهر آیات مرتبط با شخصیت حقیقی زن می‌رسد؛ آیه‌های زیادی، در یکسان بودن جنبه‌های انسانی زن و مرد وجود دارند که بعضی از آن‌ها معرفی می‌شوند:

«ما آدمی زادگان را گرامی داشتیم»^۶.

۱. سوره حجرات / آیه ۱۳

۲. سوره آل عمران / آیه ۱۹۵

۳. سوره احزاب / آیه ۳۵

۴. سوره احزاب / آیه ۳۵

۵. سوره تحریم / آیات ۱۱، ۱۲

۶. سوره اسراء / آیه ۷۰



«ما امامت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم... اما انسان آن را بر دوش کشید»^۱.

«ما انسان را در بهترین صورت آفریدیم»^۲.

«ما انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم... سپس او را آفرینش تازه‌ای دادیم، پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است»^۳.

«به یقین کسی که نفس را رشد داد، رستگار شد»^۴.

«همانا من روی زمین جانشینی قرار خواهم داد»^۵.

به طور کلی تعابیری مانند: یا ایها الناس، یا ایها الذین آمنوا، یا بنی آدم، الذین آمنوا، ایها الانسان، مؤمنون، مسلمون و... از یکسان بودن بعد روحی و معنوی زن و مرد خبر می‌دهد.

شخصیت انسانی زن در روایات

بعد از نصوص و ظواهر قرآنی، اخبار، دومین منبع معتبر برای بررسی بُعد انسانی و معنوی زنان است. نگاهی به جوامع حدیثی شیعه و اهل سنت، ما را با تعداد زیادی اخبار فقهی و غیر فقهی مرتبط با زن مواجه می‌کند. اخباری که در صدد بیان احکام شرعی زنان نیستند در چند گروه، سازمان‌دهی و سپس با کمک «جمع عرفی» و ملاک‌های مذکور در بحث «تعارض ادله» بررسی می‌شوند:

گروه اول: محبت به زنان

بسیاری از کتاب‌های حدیثی شیعه و سنی، اخباری درباره‌ی علاقه به زنان آورده‌اند. این روایات را می‌توان در دو گروه بررسی کرد، در آغاز، این دو دسته روایت نقل و سپس به توضیح و جمع میان آن‌ها اقدام خواهد شد:

۱. سوره احزاب / آیه ۷۲

۲. سوره تین / آیه ۴

۳. سوره مؤمنون / آیه ۱۴

۴. سوره شمس / آیه ۹

۵. سوره بقره / آیه ۳۰

ستایش محبت؛ برخی روایت‌ها، علاقه به زنان را پسندیده شمرده‌اند که چند نمونه از آن‌ها معرفی می‌شوند:

امام صادق(ع) فرمود: دوست داشتن زنان یکی از اخلاق انبیا است(کلینی، ۱۳۸۸: ۳۲۰؛ نسایی، بی‌تا: ۶۱ و ۶۲).

درایة‌الحديث: سند این حدیث صحیح است^۱ و علامه مجلسی آن را حسن یا موثق دانسته است(مجلسی، ۱۴۰۴هـ: ۵).

پیامبر(ص) فرمود: روشنی چشم من در نماز قرار داده شده و لذت من در دنیا، زنان و دو ریحانه من، حسن و حسین(ع) است(کلینی، ۱۳۸۸: ۳۲۱؛ مجلسی، ۱۴۰۲هـ: ۲۴۹؛ نیشابوری، بی‌تا: ۵۳۲).

درایة‌الحديث: برخی، این روایت را صحیح دانسته‌اند، ولی علامه مجلسی آن را ضعیف ارزیابی کرده است(مجلسی، ۱۴۰۴هـ: ۷).

توضیح: در کنار هم آمدن زن، نماز و دو امام معصوم(ع)، بسیار تأمل‌برانگیز است و نشان می‌دهد که همه از یک سنخ هستند؛ یعنی در تمام این مصادیق، وجهه‌ای الهی، ملکوتی و معنوی وجود دارد.

امام صادق(ع) فرمود: گمان نمی‌کنم مردی در «این امر» خیری را افزون کند، مگر این‌که محبت به زنان را زیاد کند(کلینی، ۱۳۸۸: ۳۲۱).

توضیح: منظور از «این امر»، تشیع و معرفت به امام(ع) است(فیض، ۱۴۰۶هـ: ۲۷)؛ یعنی نشانه بالا رفتن معرفت به امام، زیاد شدن محبت و علاقه به زنان است.

رسول اکرم(ص) فرمود: به ما اهل بیت(ع) هفت چیز داده شده که به هیچ کس قبل از ما و بعد از ما داده نشده و نخواهد شد... شجاعت و علم و عمل و محبت به زنان(راوندی، بی‌تا: ۱۵؛ مجلسی، ۱۴۰۲هـ: ۴۰۳)

درایة‌الحديث: این حدیث به صورت مرسل، در نوادر راوندی نقل شده است.

نکوهش محبت: احادیثی در کتب فریقین نقل شده است که علاقه به زنان را ناپسند معرفی

۱. برای سندشناسی احادیث از cd «درایة‌النور» مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی استفاده شده است.



می‌کند. از جمله احادیث: امام سجاده (ع) فرمود: یکی از شعبه‌های گناه، دوست داشتن زنان است (کلینی، ۱۳۸۸: ۱۳۰، ۱۳۱)

رجال و درایة الحدیث: در سند این روایت قاسم بن محمد وجود دارد که امامی است، اما مورد رضایت نیست، سلیمان بن داوود منقری را برخی ضعیف شمرده‌اند، معمر بن راشد نیز مجهول است، در مجموع روایت را ضعیف دانسته‌اند. پیامبر (ص) فرمود: نخستین چیزی که خداوند با آن مورد نافرمانی واقع شد، شش چیز بود: دوستی دنیا و... دوستی زنان (کلینی، ۱۳۸۸: ۲۸۹).

رجال و درایة الحدیث: در سند این حدیث، عبدالله دهقان، توثیق نشده و روایت ضعیف است، علامه مجلسی نیز سند روایت را ضعیف دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۴: ۷۶). امام علی (ع): فتنه‌ها سه تا هستند: محبت به زنان که شمشیر شیطان است (عاملی، ۱۴۰۹: ۲۶) و....

رجال و درایة الحدیث: درباره محمد بن سنان بین علمای رجال اختلاف است. شیخ طوسی، زیاد بن مروان را واقفی می‌داند (طوسی، بی تا: ۳۳۷) و در مجموع سند روایت موثق است.

نقد محتوایی و جمع عرفی: بعد از بیان دو دسته حدیث متعارض درباره دوست داشتن زنان، به بررسی محتوایی، رفع تعارض و جمع عرفی این اخبار نوبت می‌رسد، حاصل این بررسی و کند و کاو را این گونه می‌توان خلاصه کرد: قرآن کریم، به عنوان نخستین و مهم‌ترین ملاک ارزیابی و نقد احادیث، درباره دوستی زنان می‌فرماید: «علاقه به خواسته‌های نفسانی شدید؛ یعنی زنان و فرزندان و اموال و... در نظر مردم آراسته شد». در این آیه، علاقه به زنان در کنار محبت به پسران و دختران (فرزندان) آمده است؛ بنابراین، مصداق خواسته‌های نفسانی (شهوات) فقط زنان نیستند، بلکه پسران (فرزندان) نیز می‌توانند مورد محبت افراطی قرار بگیرند، چنان‌که علاقه شدید به فرزندان پسر، علامت پستی منزلت مردان نیست، محبت افراطی به زنان نیز نشان از شیطانی و بی‌ارزش بودن زن ندارد.

و بدانید اموال و اولاد شما وسیله آزمایش است.^۱ از نظر قرآن مجید اولاد؛ یعنی پسران و دختران فتنه و مایه آزمایش هستند؛ یعنی همان گونه که زنان عامل فتنه و آزمایش هستند، پسران نیز وسیله امتحان هستند.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بعضی از همسران و فرزندانان، دشمن شما هستند، از آن‌ها بر حذر باشید.^۲ واژه «ازواج» جمع زوج، به معنای همسر و شامل زن و مرد است (ابن منظور، ۱۳۶۷). این آیه نشان می‌دهد که برخی از زنان و مردان، دشمن همسران خود هستند و باید از آن‌ها بر حذر بود، ملاحظه می‌شود که آیه عام و شامل گروهی از زنان و مردان است و اختصاص به زنان ندارد.

علامه مجلسی در توضیح روایتی که دوستی زنان را نکوهش می‌کند، می‌نگارد: منظور از مذمت کردن علاقه به زنان، افراط در این محبت است به گونه‌ای که باعث انجام دادن حرام، ترک مستحبات، فراموشی یاد خدا یا پیروی از زنان در امور باطل شود، در غیر این حالت‌ها علاقه به ایشان مطلوب است؛ همان گونه که پیامبر (ص) فرمود: از دنیای شما عطر و زن را انتخاب کردم (مجلسی، ۱۴۰۴هـ: ۷۶ و ۲۸۰).

مرحوم مجلسی همین توضیحات را در بحارالانوار، ذیل روایات نکوهش محبت به زنان آورده است (همو، ۱۴۰۲هـ: ۱۰۶ و ۲۱۲).

شیخ حرّ عاملی، بابی تحت عنوان «کراهت افراط در حب زنان» دارد (عاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۴) که در واقع اشاره به جمع میان دو دسته روایت مربوط به محبت زنان است. نگاهی به باب‌های مربوط به زنان موجود در کتاب‌های حدیثی شیعه و سنی نشان می‌دهد که با توجه به روایت‌های یک باب، نمی‌توان به نظر اسلام درباره زن دست یافت، نام برخی از این باب‌ها چنین است:

باب الوصیة بالنساء؛ (صدوق، ۱۳۶۷: ۳۹۲؛ بخاری، ۱۴۲۵هـ؛ ترمذی، ۱۴۲۳هـ) باب زیادة الرأفة علی البنات؛ (عاملی، ۱۴۰۹ق: ۳۶۷) باب حب النساء؛ (کلینی، ۱۳۸۸: ۳۲۰) باب

۱. سورة انفال / آیه ۲۸؛ سورة تغابن / آیه ۱۵

۲. آیه ۱۴ / سورة تغابن



کثرة الخیر فی النساء؛ (کلینی، ۱۳۸۸: ۴) باب فضل البنات؛ (صدوق، ۱۳۶۷: ۳۸۵) باب یکره کراهة البنات (عاملی، ۱۴۰۹ق: ۳۶۳).

سید یزدی که فقیهی زبردست و صاحب‌نام در عالم فقاہت است، درباره اخبار مربوط به زنان چنین اظهار نظر می‌کند: از اخبار (مربوط به زنان) استفاده می‌شود که دوست داشتن زنان مستحب است (یزدی، بی تا: ۶۲۷)؛ محدث نوری نیز درباره رأفت نسبت به دختران، تعبیر «استحباب» را آورده است (نوری، ۱۴۰۸ه: ۱۱۸).

ابن عربی درباره مقام زن می‌نویسد: زنان محلّ تکوین و ایجاد حیات هستند؛ در نتیجه به خداوند هستی‌بخش، نزدیک‌تر از مردان هستند، رسیدن به مقامات معنوی و کمال انسانی، برای زنان ممنوع نشده و پیامبر اکرم (ص) به کمال زنانی مانند مریم و آسیه شهادت داده است (ابن عربی، بی تا: ۵۳۲، ۷۰۸) انسانیت، حقیقت واحدی است که زن و مرد در آن برابرند و مقام او تاد، ابدال و... که برای مردان است، برای زنان نیز نائل شدن به آن امکان دارد (ابن عربی، بی تا: ۷، ۱۵؛ ج ۳، ص ۸۷، ۸۹).

عرفا، از حدیث نبوی «سه چیز از دنیای شما برای من محبوب گردانیده شد: زنان، عطر و... نماز»، بسیار سخن گفته‌اند و ابن عربی این خبر را اساس بسیاری از مسائل مهم عرفانی قرار داده است؛ زیرا در نظر عارفان، زن کامل‌ترین جلوه حق است (ابن عربی، ۱۳۷۵: ۳۲۵) در خبر نبوی مورد بحث، واژه «حُبِّب» آمده که نشان می‌دهد این علاقه از سوی خداوند به پیامبر (ص) عطا شده است؛ در نتیجه حبّ زنان، عشقی الهی و میراث نبوی است. علت کشش به سوی زن، آن است که او محلّ تکوین عالی‌ترین صورت، یعنی انسان است و از او رائحه «حیات» به مشام می‌آید که خوش‌بوترین شمیم است، سپس عطر آمده که نشان از پاکی دارد و در آخر، نماز قرار داده شده که معراج مؤمن و ملاقات با محبوب است، قرین ساختن زن با عطر و نماز، بسیار تأمل‌برانگیز است و از بُعد الهی این موجود حکایت می‌کند؛ در نتیجه محبت رسول خاتم (ص) به زن، هدیه‌ای از جانب حق تعالی است و عرفا، زن را عالی‌ترین جلوه‌گاه حق تعالی می‌دانند (ابن عربی، بی تا: ۲۵۶، ۵۰۵؛ همو، ۱۳۷۵: ۲۲۰؛ حسن زاده، ۱۳۷۸: ۶۰۸).

حاصل بررسی دو دسته روایات: از نظر سند، در هر دو گروه روایات، نکوهش و ستایش

محبت به زن، احادیث صحیح و ضعیف وجود دارد، چنان‌که در موضوع «تعارض ادله» اشاره شد، برای تعیین اعتبار حدیث، باید سند و متن با هم مورد توجه قرار گیرد؛ بنابراین، با توجه به همه ملاک‌های ارزیابی خبر، می‌توان گفت: آیات قرآن کریم که از افراط در محبت زنان، پسران، اموال و... نهی می‌کند، سیره پیامبران و به ویژه سنت پیامبر اسلام (ص) که علاقه به زن را در کنار نماز، عطر و محبت به امام حسن و امام حسین (ع) قرار می‌دهد که نشانه محبت معنوی و عرفانی به زن است، اخباری که مستحب بودن علاقه به زنان را می‌رساند و آن را نشانه کمال ایمان، تشیع و معرفت به امام (ع) معرفی می‌کند، حدیثی که محبت به زن را از ویژگی‌های منحصر به فرد اهل بیت (ع) می‌شمارد که به هیچ کس جز ایشان داده نشده است، همه این قرائن و شواهد نشان می‌دهد آنچه در اخبار مذمت شده محبت شهوانی، افراطی و غیر الهی به زن است و علاقه‌ای که ستایش شده، محبتی است که در ردیف عشق به مبدء هستی، نماز، امام (ع) و... قرار دارد؛ بنابراین، همان‌گونه که علامه محمدباقر مجلسی توضیح داده روایات مذمت محبت به زنان، مقید به قید افراط در محبت، فراموشی یاد خدا، انجام دادن حرام و... است و اطلاق ندارد.

گروه دوم: ستایش و نکوهش زن

به طور کلی در جوامع روایی فریقین، مواردی یافت می‌شود که به ستایش زنان اقدام کرده و از ایشان تمجید شده است و در مقابل، اخباری نقل شده که در آن زنان نکوهش و مذمت شده‌اند، ابتدا این دو دسته از روایات نقل و در پایان به بررسی محتوا و رفع تعارض آن‌ها اقدام خواهد شد.

ستایش زنان: در حدیث قدسی آمده است خداوند فرمود: هرگاه اراده کنم که برای مرد مسلمان خیر دنیا و آخرت را جمع نمایم، برای او قلب خاشع، لسان ذاکر،... و همسری مؤمن قرار می‌دهم (کلینی، ۱۳۸۸: ۳۲۷).

رجال و درایة الحدیث: در سند خبر، ابن فضال وجود دارد که برخی او را فطحی می‌دانند و در نتیجه روایت موثق است (مجلسی، ۱۴۰۴هـ: ۱۵).

رسول الله (ص): جبرئیل پیوسته درباره زنان به من سفارش می‌کرد تا این‌که گمان کردم طلاق دادن آن‌ها جایز نیست (کلینی، ۱۳۸۸: ۵۱۲).



درایة الحدیث: سند این خبر صحیح است.

امام صادق(ع): بیشتر خوبی‌ها، در زنان است(صدوق، ۱۳۶۷: ۳۸۵).

رجال و درایة الحدیث: در سند روایت، ابن فضال وجود دارد که به نظر برخی فطحی است، افزون بر این که روایت مرسل و در نتیجه سند آن ضعیف است، اما علامه محمدتقی مجلسی آن را موثق مانند صحیح، ارزیابی کرده است(مجلسی، ۱۴۰۶هـ: ۹۳).
رسول الله(ص): بیشترین خیر این امت در زنان است(بخاری، ۱۳۰۸هـ: ۴۲۵).
در وصایای امیرالمؤمنین(ع) آمده است: خدا را خدا را (در نظر داشته باشید، درباره) زنان آخرین کلام پیامبر(ص) شما این بود که فرمود: شما را درباره دو ضعیف توصیه می‌کنم، زنان و بردگان(کلینی، ۱۳۸۸: ۵۳؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۷۸).

درایة الحدیث: سند این خبر، صحیح است: شبیه این خبر از اهل سنت نقل شده که پیامبر(ص) وصیت فرموده است: «الله الله فی النساء...» و این جمله را تکرار کرد تا کلامش قطع شد(ابی داود، ۴۴۵: احمد بن حنبل، بی تا: ۷۳).

نکوهش زنان: در برابر روایاتی که نقل شد، اخباری وجود دارند که به مذمت زنان اقدام کرده‌اند، این روایات را از چند زاویه می‌توان دسته‌بندی کرد:

زن، اهل جهنم: رسول الله(ص) فرمود: ای زنان... بیشتر شما اهل آتش هستید، زنی برخاست و گفت: چرا یا رسول الله؟ حضرت فرمود: زیرا شما زیاد لعن می‌کنید و نسبت به عشیره خود کافر هستید(طوسی، ۱۴۰۷: ۳۷۶؛ کلینی، ۱۳۸۸: ۵۱۳ و ۵۱۴).

درایة الحدیث: این حدیث در جوامع فریقین به صورت موثق و صحیح نقل شده است.
فقه الحدیث: مرحوم مجلسی در توضیح این روایت می‌گوید: کفر معانی مختلفی دارد، گاهی مقابل ایمان و گاهی به معنای نادیده گرفتن نعمت است، آنچه در این روایت آمده، معنای دوم است(مجلسی، ۱۴۰۴هـ: ۳۵ و ۳۶).

معیارهای احادیث جعلی: آیت الله سبحانی، این خبر و حدیث‌های شبیه آن را از اخبار ساختگی و نشان‌دهنده تفکرات عرب جاهلی درباره زن دانسته و با عرضه این اخبار به معیارهای سنجش اخبار، مثل آیات قرآن کریم، سیره پیامبر(ص)، اصول مسلم عقلی و عقیدتی، به جعلی بودن آن‌ها حکم می‌کند، ایشان ملاک‌های سنجش این اخبار را چنین بیان می‌کند:

این حدیث با خلق عظیم پیامبر(ص) که خداوند در آیه ۴ سوره قلم فرموده: «و آنک لعلی خلق عظیم^۱» تناسب ندارد.

در قرآن کریم درباره کیفیت امر به معروف و نهی از منکر چنین آمده است: «ای پیامبر) با حکمت و نصیحت نیکو به سوی راه پروردگارت (مردم را) دعوت کن^۲ این آیه، اقتضا می‌کند که پیامبر(ص) با نغمه‌ای ملایم با زنان سخن بگوید نه با خطاب: «ای زنان بیشتر شما اهل جهنم هستید!»!

اگر حدیث صحیح باشد، باید پرسید: چگونه بیشتر زنان اهل آتش هستند، در حالی که مردان، بیشتر از زنان به گناه خشم و شهوت، آلوده می‌شوند؟ لعنت، در واقع دعایی است که اگر ناحق باشد، مستجاب نخواهد شد؛ بنابراین، چگونه لعنت، موجب دخول در آتش می‌شود؟ کفران نعمت عشیره و خانواده هم کار حرام نیست. پایین آوردن شأن و منزلت زنان، اختصاص به این روایت ندارد، بلکه تعدادی حدیث، پیرامون موضوع زنان وجود دارد که منعکس کننده تفکر جاهلی در حق زنان است، مثل روایتی که زنان بهشتی را بسیار نادر توصیف می‌کند مثل ندرت کلاغ سفید، میان کلاغ‌ها(احمدبن حنبل، بی تا: ۱۹۷). بر اساس این گونه اخبار، گویا خداوند سبحان، زنان را برای جهنم و مردان را برای بهشت خلق کرده است(سبحانی، ۱۴۱۴هـ: ۱۲۷-۱۲۸)؛ افزون بر ملاک‌هایی که آیت الله سبحانی مطرح کرده‌اند، به معیارهای دیگری نیز می‌توان اشاره کرد:

روایتی که بیشتر زنان را اهل دوزخ معرفی می‌کند، به وسیله برخی اخبار دیگر رد می‌شود: فضیل نقل می‌کند به امام صادق(ع) گفتم: مردم می‌گویند بیشترین اهل جهنم زنان هستند، امام فرمود: چگونه این حرف صحیح است در حالی که یک مرد، در آخرت، با هزار زن دنیایی ازدواج می‌کند(صدوق، ۱۳۶۷: ۴۶۲۷) سند این روایت، صحیح و مفاد آن معارض با اخباری است که بیشتر زنان را جهنمی توصیف می‌کنند.

روایت نبوی که در آغاز نقل شد و بر اساس آن، پیامبر(ص) خطاب به زنان، آن‌ها را اهل جهنم دانستند؛ دارای تعلیل است؛ یعنی آخر روایت علت و دلیل حکم به جهنم رفتن توضیح

۱.سوره قلم / آیه ۴

۲.سوره نحل / آیه ۱۲۵



داده شده و آمده است: «فَانَكْنَنَّ تَكْتَرْنَ اللَعْنُ وَ تَكْفَرْنَ الْعَشِيرَ»؛ شما اهل آتش هستید؛ زیرا زیاد لعن می‌کنید و نسبت به خانواده و عشیره خود ناسپاس هستید. این تعلیل در برخی روایات این چنین آمده است: «فَانَكْنَنَّ كَافِرَاتٍ بِحَقِّ اَزْوَاجِكُنَّ» (کلینی، ۱۳۸۸: ۵۱۴)؛ بنابراین، در صورت صحت روایت، علت ورود به جهنم، ناسپاسی نسبت به حق دیگران است، مسلم است که در صورت از میان رفتن این علت (ناسپاسی)، معلول (به جهنم رفتن) نیز منتفی خواهد شد، حاصل آن که حکم موجود در روایت، «منصوص العلة» است و تعلیل آخر حدیث، نشان می‌دهد که دخول در آتش، مربوط به همه زنان نیست، بلکه شامل زنان ناسپاس - و مردان حق‌شناس - می‌شود و ملاک حق‌ناشناسی است نه جنسیت.

زن و فتنه‌انگیزی: در موضوع آشوب، فتنه و ضرری که از سوی جنس زن متوجه مردان می‌شود، روایاتی نقل شده است، مانند: رسول اکرم (ص): زنان، زیان‌بارترین فتنه برای مردان هستند (مسلم بن حجاج، بی تا: ۸۸).

این حدیث با برخی آیات قرآن و روایات در تعارض است: «و بدانید که اموال و فرزندان شما، فتنه هستند»، دو آیه در قرآن کریم به همین مضمون آمده است^۱ در این دو آیه، تنها اموال و فرزندان نام برده شده و «زنان» به آن‌ها عطف نشده است و به این دلیل است که ضرر مال و فرزند برای مردان، از مفسده زنان بیشتر است، البته انکارپذیر نیست که مردان به وسیله زن، آزمایش می‌شوند، اما ضرر زنان از مفسده حب ریاست، جاه و مال، بسیار کمتر است (سبحانی، ۱۴۱۴هـ: ۲۶۰).

«به یقین برخی از همسران و فرزندان شما، دشمن شما هستند پس از ایشان برحذر باشید» در این آیه شریفه کلمه «ازواج» به کار رفته که جمع زوج و به معنی همسران - اعم از زن و شوهر - است. «من» نیز به معنای بعض است؛ بنابراین، معنای کلام حق تعالی این است که بعضی از زنان و مردان (ازواج) و برخی از پسران و دختران (اولاد) دشمن هستند؛ در نتیجه برخلاف مفاد روایت مورد بحث، ضرر زدن و دشمنی، ویژه جنس زن نیست.

در روایت نقل شده است: هر صبح دو فرشته ندا می‌دهند: وای بر مردان از زنان و وای بر

۱. سوره انفال / آیه ۲۸؛ سوره تغابن / آیه ۱۵

۲. سوره تغابن / آیه ۱۴

زنان از مردان (ابن ماجه، ۱۳۹۵هـ: ۱۳۲۵). ملاحظه می‌شود که بر اساس این حدیث، زن و مرد، مایه آزمایش یکدیگر هستند.

زن، شومی و فال‌بد: رسول الله (ص): شومی و فال‌بد در اسب و زن و خانه است (سجستانی، ۱۴۲۰هـ: ۱۹) برای ارزیابی صحت یا سقم این روایت باید آن را در ترازوی نقد اخبار گذاشته و با معیارهای تفکیک خبر ساختگی از حدیث صحیح، این‌گونه سنجیده شود:

آیات قرآن کریم: در کلام الهی، نص‌های متعددی وجود دارد که در کمال و کرامت انسانی، تفاوتی میان زن و مرد نگذاشته و بر یکسان بودن گوهر انسانی هر دو تأکید کرده است. این نصوص همراه ظواهر برخی آیه‌ها، در قسمت آیات معرفی شد.

آیت الله سبحانی برای نقد محتوایی حدیث مورد بحث، از آیات دیگری کمک گرفته و می‌گوید: خداوند عالم را با حسن و جمال توصیف کرده و فرموده است: «خداوندی که خلقت هر چیز را نیکو کرد»^۱ و در آیه دیگر آمده است «و خداوند شما را تصویر و صور شما را نیکو کرد»^۲. این آیات فعل خداوند را جمیل توصیف می‌کند، پس چگونه شومی در زن پدیدار شده است؟ در واقع نحسی و نامبارکی، فرزند عمل انسان است و با اعمال آدمی، چیزی شوم یا سعید می‌شود، قرآن کریم می‌فرماید: «فال بد و شومی با خود شماست»^۳. مراجعه به روایات: بررسی کتاب‌های حدیث فریقین نشان می‌دهد که از روایت مورد بحث، جملاتی حذف و در روایت «سقط» رخ داده است. در برخی کتب حدیث اهل سنت روایت این‌گونه نقل شده است: ابوهیریه از پیامبر (ص) نقل کرد که ایشان فرمود: شومی در زن و... است. عایشه با شنیدن این روایت به شدت غضبناک شد و گفت: «قسم به خدا کسی که روایت را این‌گونه از پیامبر نقل کرده است دروغ می‌گوید؛ پیامبر فرمود: اهل جاهلیت می‌گویند شومی در زن است و...» (احمد بن حنبل، بی‌تا: ۱۴۰).

سید مرتضی از علمای بزرگ شیعه روایت را به طور کامل و با توضیحات عایشه نقل کرده

۱. سوره سجده / آیه ۷

۲. سوره غافر / آیه ۶۴

۳. سوره یس / آیه ۱۹



است، افزون بر این که در بعضی روایات آمده است: قال النبی (ص): البرکة فی ثلاث فی الفرس و المرء و الدار (امالی، ۱۳۹۸م: ۲۰۱) ملاحظه می‌شود که این روایت، محتوایی مخالف با حدیث مورد بحث دارد و معارض با آن است؛ در نتیجه دست کم هر دو روایت از اعتبار ساقط می‌شوند.

چگونه ممکن است در سیره پیامبر (ص) زن نامبارک باشد، در حالی که زن یکی از سه چیزی است که پیامبر (ص) آن را برگزیده است؟ رسول اکرم (ص) فرمود: «برای من از دنیا زنان و عطر محبوب گردانیده و روشنی چشم من در نماز قرار داده شد» (احمد بن حنبل، بی تا: ۱۲۸، ۱۹۹، ۲۸۵؛ احسائی، ۱۴۰۵هـ: ۲۶۹ و سبحانی، ۱۴۱۴هـ: ۲۸۱، ۲۸۲). این روایت نشان می‌دهد که محبوب بودن زنان نزد پیامبر (ص)، عطیه‌ای است که از جانب خداوند به ایشان داده شده و ویژه رسول گرامی اسلام است، در برخی روایات، زن کنار عطر و نماز قرار گرفته که این تقارن بسیار تأمل برانگیز است؛ زیرا نماز معراج و مشاهده حق و عطر نیز یادآور پاکیزگی و طهارت است و در نتیجه این حدیث، از محبت الهی پیامبر (ص) به زنان حکایت دارد (ابن عربی، بی تا: ۱۹۰؛ همو، ۱۳۷۵: ۹۷۵) آیا موجودی که در ردیف پاکیزگی و مشاهده حق تعالی قرار گرفته و خداوند او را محبوب حبیب خود گردانیده است، می‌تواند شوم، نحس و نامبارک باشد!

فریقین از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده‌اند: بهترین شما کسی است که برای خانواده‌اش بهتر باشد و من بهترین شما برای خانواده‌ام هستم، بزرگ مردان، زنان را گرامی شمارند و فرومایگان زن را خوار دارند (پاینده، ۱۳۸۲: ۴۷۲؛ ترمذی، ۱۴۲۳هـ: ۴۹۰). آیت الله سبحانی عقیده دارد: اگر کسی لابه‌لای روایاتی جستجو کند که از صحابه درباره زن نقل شده است، درمی‌یابد که این اخبار دربردارنده تحقیر زنان است، گویا این راویان آیات و روایاتی را فراموش کرده‌اند که در شأن و مقام زن است (سبحانی، ۱۳۷۷: ۲۶۰).

گروه سوم: عقل زن

موضوع عقل از بحث برانگیزترین مباحث مربوط به زن است که گاه به‌عنوان حربه‌ای علیه اسلام سوء استفاده شده و حتی گاه باعث نگرانی مسلمانان شده است. وجود آیتی که عقل زن و مرد را یکسان معرفی می‌کند، سیره عملی معصومان که بر اساس کرامت و بزرگداشت زن

پی‌ریزی شده، وجود بانوانی که در اوج ایمان، فضیلت، عقل، علم و... قرار داشته و به‌عنوان «الگوی انسانیت» مطرح شده‌اند، از یک سو و وجود اخباری از فریقین که به نقصان عقل زن شهادت می‌دهند از سوی دیگر، فضایی غبارآلود و وهم‌انگیز را درباره عقل زنان ایجاد می‌کنند. بعد از معرفی دو دسته اخباری که در موضوع عقل زن وارد شده‌اند، به بررسی و جمع بین آن‌ها اقدام می‌شود:

نقصان عقل: گروهی از احادیث شیعی و سنی، کم بودن قدرت تعقل و اندیشه زنان را بیان می‌کنند که برخی از آن‌ها معرفی می‌شوند.

پیامبر(ص) فرمود: (ای زنان) من از شما ضعیف ایمان‌تر و ناقص عقل‌تر گروهی را ندیدم که بتواند عقل صاحبان خرد را از بین ببرد(کلینی، ۱۳۸۸: ۳۲۲). شبیه به این روایت در جوامع اهل سنت نیز آمده است(بخاری، ۱۴۲۵هـ؛ ابن ماجه، ۱۳۹۵هـ؛ دارمی، ۱۴۲۱هـ؛ ۲۷۱).

درایة الحدیث: در سلسله روایات آمده است: «عمن ذکره» که باعث ارسال و ضعف سند روایت شده و علامه مجلسی نیز سند روایت را ضعیف شمرده است(مجلسی، ۱۴۰۴هـ؛ ۸)، اما روایاتی با همین مضمون و با سند قوی یافت می‌شود.

امام علی(ع) در خطبه‌ای فرمود: پس طلحه و زبیر نزد عایشه آمدند و او را از حق دور ساختند... و زنان؛ عقل‌ها، ایمان و بهره‌های ناقص دارند، پس نقص ایمانشان به علت ترک نماز در ایام عادت و کمبود عقل‌هایشان آن است که گواهی دو زن، به جای شهادت یک مرد است و از جهت نقصان بهره نصیب ارث آن‌ها نصف مردان است(طبری، ۱۴۱۵هـ؛ ۴۱۹؛ سید ابن طاووس، ۱۳۷۵: ۲۵۳)

رجال و درایة الحدیث: در سند روایت عامربن شراحیل الشعبی وجود دارد که نزد عامه ثقه و در نظر شیعه غیر موثق است، راوی دیگر، شریح بن هانی بن یزید، مجهول و ابن خطبه با این سند ضعیف است، ابن خطبه با سندهای دیگر هم نقل شده است(حسینی، ۱۹۸۵م).

نقد محتوا: آیت الله جوادی درباره این خطبه چند نکته مهم را تذکر داده است:

شأن صدور خطبه، رویکرد آن را معلوم و مورد آن را خاص می‌کند؛ زیرا این خطبه بعد از جنگ خونین جمل خوانده شده است؛ عام و گسترده بودن معنای خطبه در صورتی است که به صورت قضیه حقیقی مطرح شده باشد، در حالی که خطبه، از نوع قضیه شخصی و در



تنگنای فرد معینی، مطرح شده است. حکم نقصان ایمان و عقل و... به صورت معلل است و چنین حکمی بر مدار همان علت، صادر شده است و اگر بر علت نقد زده شود، اعتماد بر معلول (حکم) خردورزانه نخواهد بود. ضلع نخست مثلثی که دربارهٔ نقص زنان تشکیل شده، ادعای نقص ایمان است که علت آن محرومیت زن از نماز و روزه، معرفی شده است، در حالی که روزه برای زن و مرد در سفر فوت و با قضا ترمیم می‌شود، اما نماز واجب نیز با وضو گرفتن، ذکر گفتن و... جبران‌پذیر است، افزون بر این که بلوغ زن، چند سال زودتر از مردان است و همین چند سال عبادت، می‌تواند جبران‌کنندهٔ نمازهای خوانده نشدهٔ زن در ایام عادت او باشد. ضلع دوم نقص زن، نصف بودن ارث او معرفی شده، این توجیه تأمل‌برانگیز است؛ زیرا همیشه ارث زن از مرد کمتر نیست، افزون بر این که سیره و گفتار معصومان(ع) نشان می‌دهد ثروت، علامت کمال نیست، ضلع سوم نقصان عقل زن، تساوی شهادت دو زن با شهادت یک مرد است، مقصود از عقل، در این کلام، عقلی نیست که عالی‌ترین کمال انسانی است، بلکه مقصود قدرت حفظ و ضبط رخدادهاست. به طور کلی، چون تعلیل‌هایی که در خطبه آمده علیل و رد شدنی هستند بهتر است در صورت صحت سند، معنای آن را به اهلش واگذار کرد(جوادی، ۱۳۸۸: ۲۸۷-۲۹۴).

کمال عقل: در مقابل روایاتی که به‌طور مطلق، زنان را کم عقل معرفی می‌کند، حدیث‌هایی وجود دارد که زن را دارای عقل متعارف یا حتی کمال عقل می‌دانند: امام علی(ع): از مشورت با زنان پرهیز، مگر زنی که کمال عقل او را تجربه کردی (کراجکی ۱۴۱۰هـ: ۳۷۶؛ مجلسی، ۱۴۰۲هـ: ۲۵۳).

درایة‌الحدیث: این روایت به صورت مرسل نقل شده و ضعیف است.

۲-۲-۲. امام موسی بن جعفر(ع):... بهترین زنان، آن است که تو را نسبت به او علاقه‌ای و او را عقلی و ادبی باشد و تو به امر و نهی او محتاج نباشی(کلینی، ۱۳۸۸: ۳۲۳؛ عاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۵).

رجال و درایة‌الحدیث: در سلسله روایات این حدیث، محمد صیاح و عبدالله بن مصعب وجود دارد که هر دو مجهول و در نتیجه سند روایت ضعیف است. در مرآت العقول سند ضعیف ارزیابی شده است(مجلسی، ۱۴۰۴هـ: ۹).

حاصل بررسی دو دسته روایات

در روایات هر دو دسته، ضعیف و صحیح یافت می‌شود، با تأمل در محتوای به ظاهر متعارض این احادیث و برای رسیدن به معنایی مقبول درباره عقل زن، می‌توان دست‌کم به دو شیوه عمل کرد:

اول: جمع عرفی؛ اطلاق اخبار دسته اول را به کمک احادیث گروه دوم، می‌توان مقید و محدود کرد؛ به این معنا که کم‌خردی را صفت برخی زنان دانست، چنان‌که برخی مردان نیز دچار ضعف عقل هستند.

دوم: استفاده از ملاک‌های ترجیح

قرآن کریم؛ در صورتی که مقید کردن اطلاق روایات دسته اول با مشکل مواجه شود، بهترین ملاک پیدا کردن روایت صحیح قرآن کریم است، حق تعالی درباره صاحبان عقل (اولوالالباب) می‌فرماید: ایشان کسانی هستند که می‌گویند: خداوندا و آنچه را که به رسولانت وعده داده‌ای، به ما عطا کن و... پس پروردگار ایشان، درخواست آن‌ها را پذیرفت (و فرمود): من عمل هیچ عمل‌کننده‌ای از شما (صاحبان خرد) را، زن باشد یا مرد،... ضایع نخواهم کرد^۱. این آیه، به روشنی نشان می‌دهد که صاحبان عقل، شامل زن و مرد می‌شود؛ بنابراین، محتوای اخبار نقصان عقل، با این آیه هم‌خوانی و توافق ندارند.

افزون بر این، با مراجعه به بحث «شخصیت حقیقی زنان در آیات»، به نصوص قرآنی متعددی می‌توان دست یافت که با تعبیر صریح «ذکر او انثی» بر تساوی بعد انسانی و معنوی زن یا مرد تأکید دارند، با توجه به این که عقل، یکی از کمالات انسانی محسوب می‌شود، چگونه می‌توان زن و مرد را از اصل واحد و حقیقت واحد (نفس واحد) معرفی کرد، اما زن را غیر عاقل دانست! با توجه به محتوای آیه ۱۲ سوره تحریم که حضرت مریم و آسیه را الگوی انسان‌های باایمان معرفی می‌کند، چگونه می‌توان به ضعف عقل زن معتقد شد؟

حکم عقل و قوانین فقه: همه فقیهان، عقل متعارف را شرط تکلیف می‌دانند، شیخ مفید می‌گوید: حجت، اختصاص به افراد مکلف دارد نه اطفال و صاحبان عقول ناقص (مفید،

۱. آیه ۱۹۰-۱۹۵ / سوره آل عمران



۱۴۳۱ هـ: ۱۱۵). اگر زنان از نظر عقل، ناقص باشند، چگونه می‌توان آن‌ها را مکلف دانست و چگونه خداوند عادل آن‌ها را مؤاخذه خواهد کرد!

گروه چهارم: مشاوره با زنان

در موضوع مشورت با زن، اخباری وجود دارد که از نظر محتوا، هماهنگ نیستند، این احادیث را می‌توان در دو گروه بررسی کرد:

نهی از مشورت با زن: در این موضوع، روایات متعددی وجود دارد که برخی از آن‌ها، معرفی می‌شوند.

امام صادق(ع): از مشورت با زنان بپرهیز؛ زیرا در ایشان، ضعف و سستی و عجز وجود دارد(کلینی، ۱۳۸۸: ۵۱۷).

رجال و درایة‌الحديث: در سلسله روایت، عبدالله جامورانی و حسن بن علی بن ابی‌حمزه وجود دارند که ثقه نیستند؛ در نتیجه سند روایت ضعیف است، محمدباقر مجلسی نیز روایت را ضعیف شمرده، ولی محمدتقی مجلسی، سند آن را قوی دانسته است(مجلسی، ۱۴۰۶ هـ: ۵۱۴).

امام علی(ع) در نامه‌ای خطاب به امام حسن(ع) می‌نویسد: از مشورت با زنان بپرهیز؛ زیرا رأی زنان به سستی می‌انجامد(کلینی، ۱۳۸۸: ۳۳۸).

رجال و درایة‌الحديث: جعفر بن عنبسه و عباد بن زیاد بن موسی اسدی، مجهول و روایت ضعیف است.

جواز مشورت: مقابل روایات دسته اول، اخباری مشورت با زنان را جایز می‌دانند:

امام علی(ع)، از مشورت با زنان بپرهیز، مگر زنی که کمال عقل او را تجربه کردی؛ زیرا رأی زنان به سستی منجر می‌شود(کراجکی، ۱۴۱۰ هـ: ۳۷۶؛ مجلسی، ۱۴۰۲ هـ: ۲۵۳)

درایة‌الحديث: این روایت به صورت مرسل نقل شده و ضعیف است.

پیامبر(ص): با زنان در امور خودشان مشورت کنید(احمد بن حنبل، بی‌تا: ۹۷). نسایی، روایت‌هایی درباره استئذان، اذن، مشورت و استئمار با زنان نقل کرده است(نسایی، بی‌تا: ۸۴-

حاصل بررسی روایت‌ها

سند برخی روایات ضعیف و برخی موثق یا صحیح هستند و به چند طریق بین معانی دو دسته حدیث، می‌توان توافق ایجاد کرد یا یک گروه را ترجیح داد:

جمع عرفی: با در کنار هم گذاشتن دو روایتی که در واقع نامه امیرالمؤمنین (ع) به امام حسن (ع) است، روشن می‌شود که هر دو روایت در واقع یکی هستند، عبارت‌های قبل و بعد از جمله «مگر زنی که کمال عقل او را تجربه کردی»، یکی بودن دو خبر را نشان می‌دهد؛ به تعبیر دیگر روایتی که در «نهج البلاغه» و «کافی» آمده، نسبت به حدیث موجود در «کنزالفوائد» و «بحارالانوار»، ناقص و جمله «مگر زنی که کمال عقل او را تجربه کردی» را فاقد است؛ مراجعه به «مستدرکات نهج البلاغه»^۱ نیز نشان می‌دهد، نامه موجود در «نهج البلاغه» سید رضی کامل نیست (موسوی، ۱۳۷۶: ۹۸۴) در نتیجه روایتی که به طور مطلق مشورت با زنان را نهی می‌کند، به وسیله خبری قید می‌خورد که زنان عاقل را استثناء می‌کند یا مشاوره با زنان را در امور ویژه جایز می‌داند.

ترجیح با آیات: در صورتی که جمع عرفی با اشکال مواجه شود باید به مرجحات، مراجعه کرد، دست کم دو آیه در قرآن وجود دارد که با اخبار نهی از مشورت با زنان در تعارض است:

... و با ایشان (مسلمانان) در کارها، مشورت کن.^۲

... و کارهایشان (مسلمانان) به صورت مشورت در میان ایشان است.^۳

ظاهر این دو آیه، به طور عام، مشورت با مسلمانان - اعم از زن و مرد - را بیان می‌کند و این عموم، تقییدپذیر نیست؛ زیرا مفاد آیه یک حکم عقلی عام است و هیچیک از مفسران و فقیهان آن را مقید نکرده‌اند.

۱. مستدرکات نهج البلاغه کتاب‌هایی هستند که تمام سخنان و نامه‌های حضرت را به طور کامل جمع‌آوری کرده‌اند؛ زیرا مرحوم سید رضی چنان که در مقدمه نهج البلاغه نوشته، تنها به جمع سخنان بلیغ حضرت اکتفا کرده است.

۲. آیه ۱۵۹ / سوره آل عمران

۳. آیه ۳۸ / سوره شوری



گروه پنجم: مخالفت با زنان

در جوامع روایی فریقین، اخباری وجود دارد که به مخالفت با رأی و نظر زنان توصیه می‌کند. برخی از این احادیث معرفی و سپس با میزان‌های اعتبار احادیث سنجیده می‌شوند: امام باقر(ع): با زنان مشورت... و از ایشان اطاعت نکنید(صدوق، ۱۳۶۷: ۴۶۸).

درایة‌الحدیث: سند روایت، صحیح است.

امام علی(ع): در مخالفت با زنان، برکت است(صدوق، ۱۳۶۷: ۴۶۸؛ کلینی، ۱۳۸۸: ۵۱۸).

درایة‌الحدیث: سند خبر، مرفوع و ضعیف است.

امام علی(ع): هر زمان که رسول‌الله(ص) اراده جنگیدن داشت، با زنان مشورت و سپس با ایشان مخالفت می‌کرد(کلینی، ۱۳۸۸: ۵۱۸).

درایة‌الحدیث: سند حدیث، مرفوع و ضعیف است.

قال امیرالمؤمنین(ع): اگر زنان شما را به معروف و کار نیکویی امر کردند پس با آنها مخالفت کنید تا ایشان در انجام دادن کار منکر طمع نکنند(کلینی، ۱۳۸۸: ۵۱۷).

شرح: این روایت، قسمت پایانی خطبه‌ای است که گفته شده بعد از جنگ جمل ایراد شده است و نقد و توضیح آن در قسمت «عقل زن» مطرح شد. آیت‌الله جوادی بعد از بررسی خطبه مذکور می‌نویسد: این نتیجه پایانی خطبه، علیل است و محتوای آن با سایر سخنان امام علی(ع) هماهنگ نیست، هرچند کلام حضرت، عام نبوده و بر برخی افراد منطبق است، مثل آن‌که در روایات آمده است که زیبا رخان، کم‌عقل یا بلندقامتان، کوتاه همت هستند که تعلیل جامع و کلی ندارد و بر برخی افراد صادق است و باید علم این‌گونه اخبار را به اهلش واگذاشت(جوادی، ۱۳۸۸: ۲۹۴، ۲۹۵؛ صدوق، ۱۳۸۵: ۵۱۲).

جمع عرفی بین روایات:

اخبار توصیه به مخالفت با زنان مطلق آمده است، اما با مراجعه به کتب حدیث، اخباری یافت می‌شوند که این اطلاق را مقید و معنای روایات مخالفت با زنان را مقبول می‌کنند: رسول‌الله(ص): اگر مردی از همسرش اطاعت کند، خداوند او را در آتش می‌افکند. راوی پرسید این اطاعت چیست؟ حضرت فرمود: زن رفتن به حمام و عروسی‌ها و... پوشیدن لباس نازک را

طلب می‌کند (کلینی، ۱۳۸۸: ۵۱۷). سند این روایت موثق است و موارد مخالفت با زن را روشن کرده و نشان می‌دهد اطاعت از زن به طور مطلق مکروه و مخالفت با او در همه جا مطلوب نیست.

نقد محتوایی: با صرف نظر از جمع عرفی و در صورت نپذیرفتن آن، باید به مرجحاتی مراجعه کرد که برای ترجیح و انتخاب روایت صحیح وجود دارد، در واقع افزون بر ضعف اسناد احادیث گفته شده، بررسی متون این اخبار، می‌تواند سستی آن‌ها را آشکار کند؛ یعنی با کمک معیارهای بررسی متون احادیث که در بحث «تعارض ادله» مطرح شد، به ارزیابی محتوای اخبار پیش گفته می‌توان اقدام کرد:

قرآن کریم: نصوص آیاتی که در مباحث گذشته مطرح شد و از تساوی جوهره انسانی زن و مرد حکایت داشت برای مخالفت با زنان در امور معروف و معقول، جایی باقی نمی‌گذارد. آیاتی که مشورت با مسلمانان را توصیه می‌کند^۱ مطلق بوده و هیچکس مشورت را مقید به «مردان» نکرده است. روایاتی که مخالفت با زنان را، حتی در امور معروف، لازم معرفی می‌کنند با آیه‌ای که می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده‌تان را از آتش نگاه‌دارید»^۲ در تعارض قرار می‌گیرد؛ زیرا به بیان آیت الله نوری همدانی: بر اساس این آیه، بر زن واجب است، شوهر و خانواده خود را امر به معروف کند (نوری همدانی، ۱۳۸۲: ۴۲۳) در حالی که روایات مخالفت با زنان، برای امر به معروف کردن زن ارزشی قایل نیست و آن را بی‌ثمر می‌شمارد.

قرآن کریم به طور صریح می‌فرماید: زنان و مردان مؤمن، نسبت به هم ولایت دارند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند^۳ روایاتی که می‌گویند: «اعصوهن فی المعروف»، چگونه با آیه گفته شده جمع‌شدنی است! آیه «عاشروهن بالمعروف»^۴ که توصیه می‌کند با زنان به صورت پسندیده و نیکو رفتار شود، با «اعصوهن فی المعروف» چه تناسبی دارد؟

سیره نبوی: خداوند کریم، سیره و سنت پیامبر (ص) را این‌گونه معرفی کرده است: «و به

۱. سوره آل عمران / آیه ۱۹۵؛ سوره شوری / آیه ۳۸

۲. سوره تحریم / آیه ۴

۳. سوره توبه / آیه ۷۱

۴. سوره نساء / آیه ۳۴



یقین تو بر ملکهٔ نفسانی بزرگی (که همهٔ مکارم انسانی را دارد) استوار هستی^۱ این آیه، با روایتی که مشورت پیامبر (ص) با زنان و مخالفت با ایشان را بیان می‌کند، در تعارض جدی و تقدم با آیه است؛ زیرا از امام علی (ع) نقل شده است: «خلقه (ص) القرآن» (ورام، ۴۱۰: ۸۹)؛ یعنی همهٔ اخلاق، رفتار و گفتار پیامبر (ص) مطابق با قرآن بود.

عقل سلیم فطری: عقل نمی‌پذیرد که اگر زنی دیگران را به اعمال نیک دعوت کرد، پذیرفته نشود، اما از مردان دعوت به خیر قبول شود، چه دلیل و برهانی بر این ردّ و قبول وجود دارد؟ قواعد کلامی و فقهی: در باب امر به معروف و نهی از منکر و در علم کلام، هیچ فقیه و متکلمی در شرایط امر به معروف، جنسیت را مطرح نکرده است. خطبه‌ای از امام علی (ع) نقل شده است که ایشان فرمود: «ای مردم به هیچ وجه از همسرانتان پیروی نکنید و مالی به آن‌ها نسپارید» (صدوق، ۱۳۶۷: ۵۵۴). مرحوم غفاری در شرح و بیان این خطبه، سخنی جامع دارد که می‌تواند برای اخباری که به طور مطلق مخالفت با همهٔ زنان را در همه حال و در همه چیز مطلوب می‌دانند، توضیح و شرحی مناسب باشد. ایشان می‌نویسد: شیخ صدوق این خطبه را در «علل الشرایع» با سندی قوی از ابن ابی عمیر از بیش از یک نفر از راویان، از امام صادق (ع) نقل کرده و حاصلش این است که زن، اغلب در اثر ضعف قوای دماغی، رنگ‌پذیر است و در جامعه‌های عقب مانده که فساد بسیار است، نباید زن را به خود وا گذاشت، بلکه باید با خوش‌خویی و نرم‌زبانی فکر او را قوی و مستقیم کرد و نیز باید دانست که این مطالب، دربارهٔ همسر وارد شده نه دربارهٔ مادر، خواهر یا دختران یک مرد؛ زیرا مخالفت با مادر از نظر شرع جایز نیست و اطاعت فرمان او بر فرزند واجب است، هم‌چنین واجب نیست که مرد، با خواهرش در هر امری ستیزه و مخالفت کند، مسألهٔ زناشویی احکام خاصی داشته و عمومیت ندارد. در این خطبه، حکم به صورت عموم آمده است، در حالی که عقل، اندیشه و ایمان برخی از زن‌ها از مردهایشان به مراتب بیشتر و بالاتر است و مخالفت با آن‌ها، ستیزه با حق و واقع است، اما عدد این گونه زنان در اجتماع اندک است؛ در نتیجه باید گفت صفاتی که در روایت گفته شده، خصلت بیشتر زن‌های بی‌فرهنگ و نه صفت همهٔ زنان است (صدوق، ۱۳۶۷: ۲۶۷)

بحث و نتیجه‌گیری

در پایان بررسی روایات مرتبط با شخصیت حقیقی زن، ابتدا چند نتیجه مهم مرور می‌شود: همه علمای، اتفاق دارند که خبر واحد همراه با شواهد در احکام شرعی، معارف و عقاید حجیت دارد.

مشهور میان علمای، اعتبار خبر واحد بدون قرینه در احکام شرعی و فقدان حجیت آن در معارف است.

سنت، بعد از قرآن مهم‌ترین منبع برای ایجاد و گسترش علوم است، اما با توجه به تعارض برخی احادیث با یکدیگر، نمی‌توان بدون ملاک و ضوابط نقد سندی و متنی از احادیث بهره برد.

بحث تعارض ادله در علم اصول فقه و شاخه اختلاف حدیث در علوم حدیث، در تعیین ملاک و ضابطه برای جمع میان روایات متعارض یا معرفی معیار گزینش روایت صحیح، می‌توانند بهترین یاور محقق باشند.

با نادیده گرفتن فقدان اعتبار اخبار واحد در معارف و با فرض حجیت خبر واحد در مباحث غیرفقهی، در موضوع اخبار مربوط به بعد انسانی زن، از بحث تعارض ادله و اختلاف حدیث می‌توان بهره جدی برد.

مهم‌ترین معیارهای گزینش روایت صحیح؛ قرآن، اجماع، سنت قطعی، عقل فطری، قواعد علمی قطعی، شأن و مقام انسانی، عدالت اجتماعی و عقاید و معارف اسلامی است.

با بررسی روایات مربوط به شخصیت حقیقی زن و چند محور؛ یعنی محبت به زن، عقل زنان، مشورت با زن، مخالفت با زنان، ستایش و نکوهش زن و بررسی سندی و محتوایی روایات متعارض موجود در این پنج محور معلوم شد برخی از این روایات از نظر سند، ضعف دارند، با نادیده گرفتن این ضعف، در آغاز به جمع عرفی میان اخبار اقدام شد، سپس با فرض امکان‌ناپذیری جمع عرفی، با کمک ملاک‌های ترجیح، یک دسته از روایات انتخاب شد، در نتیجه می‌توان گفت روایاتی که در مذمت و نکوهش زنان وارد شده‌اند، بر فرض قوت سند، از نظر محتوا با نص آیات، سیره قطعی معصومان(ص)، سایر روایات و... معارض و در نتیجه نامقبول هستند.



پیشنهاد

با توجه به تعارض جدی موجود بین روایات مربوط به بعد انسانی زن مناسب است که برای حفظ حریم روایات، دست‌یابی به نظر اسلام درباره زن و دفع شبهات موجود پیرامون مسائل مربوط به زنان پیشنهاد می‌شود محققان و اندیشمندان به دو علم اصول فقه و علوم حدیث نگاه جدی‌تری داشته و به ویژه از بحث تعادل و تراجیح (تعارض ادله) و اختلاف حدیث استفاده کامل ببرند. همچنین آیات قرآن مجید، به‌عنوان بهترین و محکم‌ترین معیار برای سنجش حدیث صحیح، باید در مرکز توجه پژوهشگران قرار گیرد.

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- ابن ادریس، محمد (۱۳۶۱). *السرائر*، ج ۳، قم: جامعه مدرسین.
- ابن عاشور، محمد (بی تا). *التحریر و التنویر*، ج ۴، بی جا: بی نا.
- ابن عربی، محیی الدین (۱۳۷۵). *فصوص الحکم*، ج ۲، تهران: الزهرا.
- ابن عربی، محیی الدین (بی تا). *الفتوحات المکی*، ج ۱ و ۲، بیروت: دار صادر.
- ابن ماجه (۱۳۹۵هـ). *السنن*، ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن منظور، محمد (۱۳۶۷). *لسان العرب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابوری، محمد (۱۴۲۸هـ). *اضواء علی السنة المحمدیة*، دارالکتاب الاسلامی.
- احسائی، ابن ابی جمهور (۱۴۰۵هـ). *عوالی اللثالی*، قم: دار سید الشهداء.
- احمد بن حنبل (بی تا). *المسند*، ج ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶، بیروت: دار صادر.
- انتخابیان، عذرا (۱۳۸۴). «بررسی علل و آثار نظریه حجیت و عدم حجیت خبر واحد»، فقه و تاریخ تمدن، ۵ و ۶، ص ۲۴-۵۱.
- انصاری، مرتضی (۱۴۲۲هـ). *رسائل*، ج ۱، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- انصاری، مرتضی (بی تا). *فرائد الاصول (رسائل)*، ج ۴، قم: وجدانی.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۵هـ). *الصحیح*، ج ۱، بیروت: دارالمعرفة.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). *نهج الفصاحة*، دنیای دانش.
- ترمذی، احمد (۱۴۲۳هـ). *السنن*، بیروت: دارالمعرفة.
- جاودان، محمد (۱۳۸۰). «نقدی بر مقاله نقد سند تا نقد متن» فصلنامه علوم حدیث، ش ۲۱، ص ۸۵.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). *تسنیم*، قم: اسراء.
- جوهری، حماد (۱۳۶۳). *صحاح اللغة*، تهران: ناصر خسرو.
- حسن زاده، حسن (۱۳۷۸). *ممد الهمم*، تهران: وزارت ارشاد.
- حسینی، عبدالزهرا (۱۹۸۵م). *مصادر نهج البلاغه و اسانیده*، بیروت: دارالاضواء.



- حلی، ابن فهد (۱۴۰۷هـ). *عده الداعی*، بی جا: دارالکتاب اسلامی.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۴هـ). *مبادئ الوصول*، بی جا: چاپخانه علمیه.
- خراسانی، محمدکاظم (۱۴۲۰هـ). *کفایة الاصول*، قم: جامعه مدرسین.
- خویی، ابوالقاسم (۱۳۷۸). *مصباح الاصول*، قم: مکتبه الداوری.
- دارمی، عبدالله (۱۴۲۱هـ). *السنن*، بیروت: دارالمعرفة.
- دلبری حسینی، علی (۱۳۸۱). «آسیب شناسی فهم روایات»، آموزه های فقهی، ش ۱۱.
- راوندی، فضل الله (بی تا). *النوادر*، قم: دارالکتاب.
- ربانی، محمدحسن (۱۳۸۳). *فقه الحدیث*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۴هـ). *اصول الحدیث و احکامه*، قم: مؤسسه الامام الصادق.
- سبحانی، جعفر (۱۳۷۷). *الحدیث النبوی فی علم الدراییة والرواییة*، قم: موسسه امام الصادق.
- سجستانی، ابوداود (۱۴۲۰هـ). *السنن*، بیروت: دارا رقم.
- سید ابن طاووس (۱۳۷۵). *کشف المحجّة*، قم: بوستان کتاب.
- سید مرتضی، علی بن حسین (۱۳۶۳). *رسائل الشریف المرتضی*، ج ۱، قم: دارالقرآن الکریم.
- سید مرتضی، علی بن حسین، (۱۳۷۶). *الذریعة*، تهران: دانشگاه تهران.
- سید مرتضی، علی بن حسین، (۱۳۹۸م). *امالی*، ج ۲، قاهره: دارالفکر العربی.
- شهید ثانی (زین الدین بن علی) (۱۳۷۸). *المقاصد العلیّیة*، قم: مرکز الابحاث و الدراسات الاسلامیة.
- شهید ثانی (زین الدین بن علی) (۱۳۷۸). *منیة المرید*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- صدوق، محمدبن علی (۱۴۰۳هـ) *معانی الاخبار*، جامعه مدرسین.
- صدوق، محمدبن علی (۱۳۸۵). *علل الشرائع*، قم: داوری.
- صدوق، محمدبن علی (۱۳۶۷). *من لا یحضره الفقیه*، ج ۱، ۳، ۴ و ۵، (ترجمه علی اکبر و محمدجواد غفاری و صدر بلاغی)، تهران: نشر صادق.
- صدوق، محمدبن علی (۱۴۱۳هـ). *من لا یحضره الفقیه*، قم: جامعه مدرسین.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). *المیزان*، ج ۴، ۵ و ۱۶، (ترجمه محمدباقر موسوی)، قم: جامعه

مدرسين.

- طباطبایي، محمدحسين (۱۳۷۹). قرآن در اسلام، قم: جامعه مدرسین.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۵هـ). المسترشد فی امامة علی بن ابیطالب (ع)، قم: کوشان پور.
- طوسی، محمدبن حسن (۱۴۰۷). تهذیب الاحکام، ج ۹، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طوسی، محمدبن حسن (۱۹۶۳م). تبیان، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- طوسی، محمدبن حسن (بی تا). الاستبصار، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طوسی، محمدبن حسن (بی تا). الرجال، بی جا: بی نا.
- طوسی، محمدبن حسن (بی تا). الفهرست، ج ۹، بی جا: بی نا.
- طوسی، محمدبن حسن (۱۴۰۳هـ). العدة، ج ۱، بی جا: اهل البيت (ع).
- عاملی، محمدحسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة، ج ۱۵، ۲۰، ۲۱ و ۲۷، قم: موسسه آل البيت (ع).
- علی پور، سیما و دیاری، محمد تقی (۱۳۷۹). بررسی سندی و دلالتی روایات شیعه در مورد زن، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه قم.
- عزیزان، مهدی (۱۳۸۷). «بررسی حجیت روایات آحاد در مسائل اعتقادی»، معرفت، ش ۱۳۲، ص ۵۹-۷۲.
- فاضل تونی، عبدالله (۱۴۱۵هـ)، الوافیة فی الاصول، بی جا: مجمع الفکر الاسلامی.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۷۷). سیری کامل در اصول فقه، قم: فیضیه.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۹۶هـ). مدخل التفسیر، تهران: الحیدری.
- فیض، محمدمحسن (۱۴۰۶هـ). الوافی، ج ۳، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین.
- قمی، عباس (بی تا). سفینة البحار، ج ۱، بیروت: دارالمرتضی.
- کارل، ارنست (۱۳۹۰). اقتدا به محمد (ص)، ترجمه قاسم کاکایی، تهران: هرمس.
- کراجکی، محمد بن علی (۱۴۱۰هـ). کنزالفوائد، ج ۱ و ۲، قم: دار الذخائر.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۸۸). کافی، ج ۵، ۶ و ۷، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- لاریجانی، محمدصادق (۱۳۸۱). «کاربرد حدیث در تفسیر و معارف»، الهیات و حقوق، ش ۴، ص ۱۵۵-۱۷۴.
- مامقانی، عبدالله (۱۳۸۵). مقیاس الهدایة، ج ۱، قم: دلیل ما.



- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۲هـ). بحارالانوار، ج ۷۹، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴هـ). مرآت العقول، ج ۱، ۲، ۹، ۱۰ و ۲۰، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۶هـ). روضة المتقین، ج ۸، قم: کوشان پور.
- مسعودی، محمد مهدی (۱۳۸۹). «گستره مباحث فقهی در قرآن»، پژوهش های قرآنی، س ۱، ش ۴.
- مسعودی، عبدالهادی (۱۳۸۵). روش فهم حدیث، تهران: سمت.
- مسعودی، عبدالهادی (۱۳۸۸). وضع و نقد حدیث، تهران: سمت.
- مسلم بن حجاج (بی تا). الصحيح، ج ۴ و ۸، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- معماری، داود (۱۳۹۰). مبانی و روش های نقد متن حدیث، قم: بوستان کتاب.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳هـ). مختصرالتذکره، بی جا: المؤتمر العالمی لا لقیة شیخ مفید.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۳۱هـ). المسائل العکبریه، قم: المؤتمر العالمی لا لقیة شیخ المفید.
- مکارم، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، ج ۱۹، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی، صادق (۱۳۷۶). تمام نهج البلاغه، تهران: امام صاحب الزمان (ع).
- میرداماد، محمدباقر (۱۳۱۱هـ). الرواشح السواویه، ج ۱، قم: دار الخلاقه.
- نائینی، محمدحسن (۱۳۹۰). اجود التقریرات، قم: صاحب الزمان (ع).
- نسایی، محمد (بی تا). السنن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نوری همدانی، حسین (۱۳۸۲). جایگاه بانوان در اسلام، قم: مهدی موعود (ع).
- ورام، ابن فراس (۱۴۱۰ق). مجموعه ورام، ج ۱، قم: مکتبه فقیه.
- یزدی، محمدکاظم (بی تا). العروة الوثقی، ج ۲، قم: اسماعیلیان.

